

تقاضای پول در اقتصاد اسلامی

سید حسین میرمعزی^۱

چکیده

اقتصاددانان مسلمان درباره تقاضای پول در اقتصاد اسلامی با یکدیگر اختلاف نظر دارند. منشأ این اختلاف، کارکرد پول به صورت ذخیره ارزش به مفهوم کینزی آن است. در این مقاله، ابتدا نظریات اقتصاددانان مسلمان درباره کارکرد ذخیره ارزش پول بررسی و نقد شده و با توجه به جواز کنتز پول به مفهوم اقتصادی آن و جواز بورس‌بازی در چارچوب احکام شریعت به این نتیجه رسیدیم که نگهداری پول به انگیزه بورس‌بازی در چارچوب شریعت جایز است؛ پس می‌توان گفت: در اقتصاد اسلامی، تقاضای پول به انگیزه بورس‌بازی وجود دارد. پس از آن بر نظریه‌های تقاضای پول در اقتصاد اسلامی که به وسیله اقتصاددانان مسلمان ارائه شده، مروری اجمالی کرده و سرانجام، مورد نظر خود را ابتدا از دیدگاه خُرد و سپس از دیدگاه کلان ارائه کرده‌ایم.

مقدمه

پول در علم اقتصاد کلان اغلب با کارکردهای آن در جامعه به صورت اثباتی تعریف می‌شود؛ زیرا این علم به تحلیل رفتار گروه‌های اقتصادی و عکس‌العمل آن‌ها در برابر تغییر متغیرهای اقتصادی می‌پردازد و از این دیدگاه، ماهیت پول اهمیتی ندارد؛ بلکه کارکرد آن در جامعه مهم است. اقتصاد دانان اغلب پول را چنین تعریف می‌کنند:
پول هر آن چیزی است که سه وظیفه واسطه در مبادلات، واحد محاسبه و ذخیره ارزش را انجام دهد.^۲

^۱ استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

^۲ 1. Laurence Harris: Monetary Theory, P.3.

تا پیش از مارشال، نظریه‌های پولی کارکرد وسیله در مبادله بودن پول را در قالب نظریه مقداری پول تحلیل می‌کردند؛ زیرا تلقی اقتصاددانان این بود که کارکرد اصلی پول واسطه مبادله بودن است و دو کارکرد دیگر برای آن است که پول بتواند نقش اصلی خود را بازی کند.¹ به عبارت دیگر، کارکرد پول به صورت ذخیره ارزش، از کارکرد آن به صورت واسطه در مبادله بودن مستقل نیست. برای نخستین بار نظریه تقاضای موجودی نقد مکتب کمبریج که به وسیله مارشال و پیگو به تکامل می‌رسد، بر نقش پول به صورت وسیله ذخیره ارزش تأکید می‌کند. پول که وسیله مبادله است، جدا کردن عمل خرید را از فروش میسر می‌سازد و می‌تواند به صورت وسیله ذخیره موقت ارزش، در فاصله میان فروش يك کالا و خرید كالای دیگر عمل کند. مکتب کمبریج تقاضای فرد برای نگهداری پول در این فاصله را تحلیل و عوامل مؤثر بر آن را بررسی می‌کند. این همان تقاضای نگهداری پول به انگیزه معاملاتی در نظریه پولی کینز است. از نگاه مکتب کمبریج نیز نقش ذخیره ارزش بودن پول، نقش تبعی است و نقش اصلی پول واسطه در مبادله بودن است. کینز همچون مکتب کمبریج توجه خود را به صورت ذخیره ارزش معطوف کرد و نظریه خود را بر تقاضای نگهداری پول با سه انگیزه معاملاتی، احتیاطی و سفته بازی پایه گذاشت. در تقاضای پول با انگیزه سفته‌بازی، کینز این اندیشه را مطرح کرد که در برخی حالات مردم ترجیح می‌دهند ثروت خود را به شکل پول نگهداری کنند و آن وقتی است که انتظار داشته باشند قیمت‌ها و نرخ بهره در آینده کاهش یابد. در این صورت، پول، کارکرد ذخیره ارزش را به صورتی مستقل از کارکرد واسطه معامله بودن خواهد داشت و پول، دارایی بی‌بازده شمرده می‌شود. اقتصاددانان مسلمان اغلب با نگرش کینزی تقاضای پول در اقتصاد اسلامی را مطالعه کرده‌اند؛ یعنی تقاضای پول را از جهت انگیزه‌های آن تقسیم کرده و به تحلیل هر قسم پرداخته‌اند؛ از این رو، خود به خود این پرسش مطرح شده که آیا در اقتصاد اسلامی با فرض حرمت بهره، تقاضای پول به انگیزه سفته بازی وجود دارد. به عبارت دیگر، آیا پول می‌تواند در اقتصاد اسلامی به مفهومی که کینز می‌گوید ذخیره ارزش باشد؟

پاسخ به این پرسش نه فقط در تحلیل تقاضای پول در اقتصاد اسلامی، بلکه در تحلیل کل اقتصاد اثر مهمی دارد. پاسخ مثبت به این پرسش به مفهوم آن است که بخش پولی اقتصاد اسلامی به صورتی مستقل از بخش واقعی اقتصاد بر متغیرهای اقتصادی مؤثر است و باید جداگانه مطالعه شود. در این صورت می‌توان از الگوی IS-LM با جایگزین کردن متغیر دیگری به جای نرخ بهره

¹ . هیکس معتقد بود: می‌توان پولی را تصور کرد که واسطه معاملات باشد و در عین حال، وسیله ذخیره ارزش نباشد. وی بر این مطلب در قالب مدلی که در آن فرض می‌شود در پایان هر روز در بازار، همه حساب‌های بانک صفر می‌شود، استدلال می‌کند. لرنس هریس در کتاب پیشین اثبات می‌کند که در همان مدل فرضی نیز پول ذخیره ارزش است. ر.ک: Ibid, PP. 8 - 10.

استفاده کرد، اما پاسخ منفی به مفهوم آن است که بخش پولی، از بخش واقعی مستقل نیست و مطالعه بخش واقعی ما را از مطالعه بخش پولی بی‌نیاز می‌کند. در این صورت باید همچون کلاسیک‌ها نظریه‌های پولی در قالب نظریه مقداری پول بیان شود. اقتصاددانان مسلمان در پاسخ به پرسش پیشین اختلاف و در نتیجه، توابع گوناگونی را برای تقاضای پول در اقتصاد اسلامی معرفی کرده‌اند. در این مقاله ما نیز از پاسخ همین پرسش آغاز کرده و پس از نقل اظهار نظرهای گوناگون در این باره اثبات می‌کنیم که در اقتصاد اسلامی نیز پول، ذخیره ارزش (به مفهوم کنیزی آن) است. پس از آن، بر توابع تقاضای پول که به وسیله اقتصاددانان مسلمان معرفی شده مروری خواهیم کرد و در پایان تابع مورد نظر خود را می‌شناسانیم.

- پول و کارکرد ذخیره ارزش

اقتصاددانان مسلمان در تجویز کارکرد ذخیره ارزش با یکدیگر اختلاف کرده‌اند. محمود ابوالسعود به کلی چنین کارکردی را برای پول نفی، و ادله متعددی را برای مدعای خود ذکر می‌کند. برخی از ادله او چنین است:

۱. پول، کالای عادی نیست تا به سبب ذاتش تقاضا شود و ارزش ذاتی ندارد؛
 ۲. زیر بنای زندگی اقتصادی تولید، و این تولید است که متضمن هر ارزشی است؛ اما پول نمی‌تواند جایگاه ارزش باشد؛ زیرا ارزش ذاتی پول در کنار وظیفه آن به صورت وسیله مبادله طیبیات ناچیز است.
 ۳. وقتی به پول ویژگی بقا داده شود، این ویژگی، بهره‌ای را که در شریعت حرام شده است را تجویز می‌کند.^۱
- همان گونه که پیش‌تر گفتیم، اگر پول نتواند ذخیره ارزش کند نمی‌تواند نقش واسطه معامله را در جامعه به عهده گیرد؛ زیرا کسی که چیزی را می‌فروشد، در همان زمان چیز دیگری را نمی‌خرد و به طور معمول بین فروش یک کالا و خرید کالای دیگر فاصله می‌افتد. اگر پول نتواند در این فاصله، ارزش را در خود ذخیره کند، هیچ کس حاضر نخواهد بود کالای خود را بدهد و چنین پولی را بگیرد؛ از این رو محمد منذر قحف در اعتراض به قول ابوالسعود می‌گوید:
- پول معامله‌گران را قادر می‌سازد تا وقت مناسب را برای معامله خود برگزینند؛ بنابراین فردی که در حال حاضر خرما دارد و در آینده نیازمند سیب است، وجود پول به او امکان می‌دهد که خرما را به کسی که امروز به خرما او نیاز دارد، بفروشد و پول آن را به خانه آورد و پس از دو روز به بازار رود

۱. ر.ک. احمد حسن: الاوراق النقدية في الاقتصاد الإسلامي، ص ۴۳ و ۴۴ و عدنان خالد التركماني: السياسة النقدية و المصرفية في الإسلام، ص ۵۴ و ۵۵.

و سبب مورد نیاز خود را بخرد؛ از این رو، پول باید در طول زمان امتداد داشته باشد و این امتداد زمانی پولی در حقیقت جزئی از وظیفه پول در تسهیل معاملات است؛ بنابراین، پول، ذخیره ارزش است و آن را از زمانی به زمان دیگر انتقال می‌دهد.^۱

عدنان خالد الترکمانی پس از نقل قول ابوالسعود سه احتمال را در مقصود وی مطرح می‌کند. حاصل کلام عدنان این است که اگر مقصود از وسیله ذخیره ارزش بودن پول، آن است که پول وسیله کنز اموال باشد، ما با استاد ابوالسعود موافقیم؛ زیرا کنز اموال شرعا حرام است. همچنین اگر مقصود آن است که پول به طور مستقیم حاجت خاصی را تأمین می‌کند، به گونه‌ای که فرد پول را برای ذات پول می‌طلبد و نگه می‌دارد، نه برای خرج کردن آن و استفاده از آن برای دستیابی به کالا و خدمات، بلکه برای به کارگیری آن در تجارت و کسب سود، باز هم با ابوالسعود موافقیم. اگر پول چنین اعتبار شود، سبب می‌شود که ویژگی اساسی خود، یعنی پول بودن را از دست بدهد؛ زیرا پول به دلیل آن که منفعت خاصی نداشت و دارای قدرت خرید عام بود و می‌توانست به صورت واسطه در تأمین نیاز مردم برای دستیابی به کالا و خدمات نقش ایفا کند، به صورت پول اعتبار شده بود؛ اما اگر مقصود از ذخیره ارزش بودن پول، این باشد که قابلیت دارد برای انجام معاملات تجاری در آینده ذخیره شود، در این صورت با ابوالسعود مخالفیم.

عدنان نیز در این فرض، شبیه **منذر قحف** استدلال می‌کند و می‌افزاید:

انکار این وظیفه برای پول، فرصت پس‌انداز کردن را در اقتصاد پولی از بین می‌برد و مخالف سنت عملی است؛ زیرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای اهل بیت خود آذوقه يك سال را ذخیره می‌کرد و این ذخیره کردن ممکن نیست صورت پذیرد، مگر آن که آن چه ذخیره شده، ذخیره کننده ارزش باشد.

از سوی دیگر، شریعت اسلام از ذخیره کردن اموال اگر ارزش آن‌ها کمتر از نصاب باشد، منع نکرده است؛ بلکه بدون آن که مالیاتی بر آن وضع کند، آن را اجازه داده و فقط بر ذخیره اموالی که ارزش آن‌ها بیش از نصاب باشد، مالیات وضع کرده است. همچنین شریعت اسلام در وجوب زکات سبب شدن يك سال را بر مال بیش از نصاب شرط کرده، و این، نشانه آن است که در شریعت، برای پول‌های ذخیره شده در طول سال اعتبار ارزش شده است وگرنه زکات را در این پول‌ها واجب نمی‌کرد.

یوسف کمال محمد می‌گوید:

افراد تمایل دارند که از پول به صورت وسیله ذخیره ارزش استفاده کنند. این ذخیره سازی گاهی به سرمایه‌گذاری، و گاهی به کنز اموال می‌انجامد. اسلام، ذخیره کردن ارزش را حرام نکرده است؛ ولی کنز را جرم شناخته و برای آن مجازاتی قرار داده است که از طریق پرداخت زکات از مال ذخیره شده می‌کاهد.^۳

۱. ر.ک. احمد حسن: *الاوراق النقدية في الاقتصاد الاسلامي*، ص ۴۴.

۲. عدنان خالد الترکمانی: *السياسة النقدية و المصرفية في الاسلام*، ص ۵۷ - ۵۹.

۳. یوسف کمال محمد: *فقه الاقتصاد النقدي*، ص ۳۰.

أحمد حسن نیز بین ذخیره سازی (ادخار) و کنز نمودن (اکتناز) فرق گذاشته، می‌گوید: کنز پول عبارت از عدم پرداخت حق خداوند در پول است. خداوند متعالی می‌فرماید: والذین یکنزون

الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل اللّٰه فبشرهم بعذاب الیم.^۱

وی با این آیه بر حرمت کنز پول استدلال کرده، می‌افزاید: اگر زکات پول پرداخت شود، نگهداری آن کنز نیست، ذخیره سازی است. هر مالی که زائد بر نیاز باشد، پس از پرداخت حق خداوند در آن مال، اگر نگهداری شود، ذخیره سازی است و ذخیره سازی مشروع است.^۲ چنان که پیش‌تر گذشت، یکی از ویژگی‌های پول آن است که می‌تواند ارزش را در خود ذخیره کند. پول اگر این ویژگی را نداشته باشد نمی‌تواند نقش واسطه در معاملات را بازی کند. شاهد صحت این ادعا آن است که در وضعیت تورمی شدید که پول ساعت به ساعت ارزش خود را از دست می‌دهد، بیش‌تر معاملات به صورت پایاپای یا به واسطه کالاهایی که دارای ارزش ثابت هستند، انجام می‌شود و پول نقش واسطه در معامله بودن را عملاً از دست می‌دهد. این ویژگی در پول سبب می‌شود که نقش ذخیره ارزش را در جامعه بازی کند و افراد بتوانند با نگهداری آن، ارزش را ذخیره کنند. انگیزه‌های گوناگونی را برای نگهداری پول می‌توان تصور کرد. برخی از آن‌ها در نقل قول‌های پیشین بیان شد؛ ولی برای جلوگیری از خلط مباحث لازم است این انگیزه‌ها را به صورت جداگانه بر شمرده، حکم هر یک را بیان کنیم.

اقسام نگهداری پول به لحاظ انگیزه‌ها

أ. نگهداری پول به انگیزه خرید اشیای مورد نیاز در زمانی که به آن اشیای نیز است

به نظر می‌رسد هیچ یک از کسانی که ذخیره ارزش بودن پول را نفی می‌کنند، مخالف جواز نگهداری پول به این انگیزه نباشد. در حقیقت اگر نگهداری پول به انگیزه انجام معاملات آتی مورد نیاز تجویز نشود، پول نخواهد توانست نقش واسطه در مبادلات را بازی کند. فرقی ندارد که این معاملات برای خرید کالاهای مصرفی یا سرمایه‌ای مورد نیاز باشد؛ یعنی هم مصرف‌کننده و هم سرمایه‌گذار به این انگیزه پول را نگه می‌دارد.

ب. نگهداری پول به انگیزه تضمین مخارجی که احتمالاً در آینده پدید خواهد آمد

نگهداری پول به این انگیزه که احتیاطی نامیده می‌شود نیز مورد خلاف نیست. نگهداری پول به انگیزه احتیاطی در حقیقت فرقی با نگهداری آن به انگیزه پیشین ندارد؛ زیرا کسی که پول را به

^۱ توبه: ۹ آیه ۳۴ و ۳۵. کسانی را که طلا و نقره را کنز می‌کنند و آن را در راه خدا خرج نمی‌کنند، به عذاب دردناک بشارت ده.

^۲ احمد حسن: الاوراق النقدية فی الاقتصاد الاسلامی، ص ۴۵ - ۴۶.

این انگیزه ننگه می‌دارد می‌خواهد معاملات آتی مورد نیاز خود را تأمین مالی کند. یگانه فرق در این است که در فرض پیش، نیاز آتی قطعی است و در این فرض، احتمالی است. نگهداری پول به این دو انگیزه نه تنها منافاتی با نقش پول به صورت واسطه معاملات ندارد، بلکه نتیجه ایفای چنین نقشی است. پول چون واسطه در مبادلات است، به انگیزه معاملاتی و احتیاطی نگهداری می‌شود.

ج. نگهداری پول به انگیزه انجام معاملات سودآور (بورس‌بازی)

معاملات سود آور ممکن است در بازار دارایی‌های مشهود یا بازار دارایی‌های مالی انجام شود. با توجه به این که در اقتصاد اسلامی بهره ممنوع و حرام است، بازار اوراق قرضه وجود ندارد؛ از این رو در بازار دارایی‌های مالی فقط اوراق مشارکت و سهام خرید و فروش می‌شود. به دلیل آن که سند حاکی از دارایی مشهود هستند؛ از این رو در اقتصاد اسلامی، تفکیک بین بازار دارایی‌های مشهود و نامشهود (مالی) وجهی ندارد.

نگهداری پول به انگیزه انجام معاملات سود آور از نظر فقهی از دو جهت ممکن است مورد اشکال قرار گیرد:

۱. نگهداری پول به این انگیزه مصداق کُز است که در آیه شریفه تحریم شده است؛
 ۲. انجام معاملات سود آور همان بورس بازی است که در شریعت ممنوع شده است.
- اگر به دو اشکال پیشین پاسخ داده شود، نگهداری پول به این انگیزه نیز جایز خواهد بود. ما هر يك از این دو اشکال را به صورت جداگانه در دو مقاله بحث کرده و به این نتیجه رسیده‌ایم که کُز به مفهومی که در نظریه پولی کینز مطرح است، با کُزی که در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره توبه در اسلام تحریم شده تفاوت دارد. کُز در نظریه پولی کینز به مفهوم نگهداری ثروت به شکل پول و خارج کردن پول از جریان گردش، فی نفسه حرام نیست. بلی، اگر به قصد جمع آوری ثروت باشد و حقوق الهی متعلق به آن را نپردازد، همان کُزی شمرده می‌شود که در آیات تحریم شده است.^۱
- درباره بورس بازی نیز به این نتیجه رسیده‌ایم که در چارچوب احکام شریعت جایز است.^۲ بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که در اقتصاد اسلامی نیز تقاضای مانده پول به انگیزه بورس بازی جایز است. افزون بر این، در ادامه بحث روشن خواهد شد که در جامعه اسلامی، فرض وجود چنین تقاضایی برای پول فرضی معقول و منطقی است؛ البته این نکته را نباید فراموش کرد که در اقتصاد اسلامی، به دلیل آن که نرخ بهره وجود ندارد و چارچوب‌های شرعی ویژه‌ای برای بورس

^۱ ر.ک. سید حسین میرمعزی: «مفهوم کُز در اقتصاد و از دیدگاه اندیشمندان اسلامی»، نامه مفید، بهار ۸۲.

^۲ ر.ک. سید حسین میرمعزی: «بورس بازی از دیدگاه فقه»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، بهار ۸۲، شماره ۹، ص ۶۴۵۱.

بازی تعیین شده که از سوء استفاده بورس بازان جلوگیری می‌کند، تقاضای مزبور محدودتر و با ثبات‌تر است.

مروری بر نظریه‌های تقاضای پول در اقتصاد اسلامی

اقتصاددانان مسلمان تقاضای پول در اقتصاد اسلامی را اغلب با نگرش کینزی مطالعه کرده‌اند؛ یعنی تقاضای پول را از جهت انگیزه‌های آن تقسیم کرده و به تحلیل هر قسم پرداخته‌اند. نظریه‌های ارائه شده به وسیله اقتصاددانان مسلمان را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: ۱. گروهی با این پیش فرض که ربا، بورس بازی و کنز (به مفهوم اقتصادی آن) در اقتصاد اسلامی ممنوع است، تقاضای پول را مطالعه کرده‌اند. این گروه به دو قسم تقسیم می‌شوند: برخی به این نتیجه می‌رسند که در اقتصاد اسلامی تقاضای پول به انگیزه معاملاتی و احتیاطی وجود دارد و با تقاضای پول به دو انگیزه پیشین در اقتصاد سرمایه‌داری فرقی ندارد؛ ولی تقاضای پول به انگیزه بورس بازی وجود ندارد. این‌ها به طور طبیعی ناچارند در تحلیل‌های خود، از نظریه مقداری پول استفاده کنند.

و برخی دیگر با همان پیش فرض‌ها به این نتیجه می‌رسند که در اقتصاد اسلامی، افزون بر دو انگیزه معاملاتی و احتیاطی، انگیزه انفاق نیز وجود دارد و تقاضای معاملاتی پول، تابعی از درآمد و نرخ سود است؛ برای نمونه نویسندگان کتاب *اقتصاد کلان با نگرش اسلامی* معتقدند که در اقتصاد

اسلامی، چهار نوع تقاضای پول وجود دارد:

۱. تقاضای پول برای خرید کالاهای مصرفی و خدمات (Mc)؛

۲. تقاضای پول برای خرید کالاهای سرمایه‌ای (MI)؛

۳. تقاضای احتیاطی پول (MR)؛

۴. تقاضای پول برای انفاق در راه خدا (Ms).

نویسندگان مزبور، توابع تقاضای پول را به صورت ذیل ارائه می‌کنند:

$$Mc = L^1(Y, p), MI = L^2(Y, p), MR = L^3(Y, p)$$

$$, MS = L^4(Y, p)$$

و معتقدند که همه انواع تقاضای پول، تابع مستقیم درآمد (Y) و تابع غیر مستقیم p، و فقط MI تابع مستقیم نرخ سود است.

دکتر لطیف نیز تقاضای پول را ابتدا به دو قسم تقاضای پول برای امور معیشتی و خیرات

1. ر.ک. ایرج توتونچیان: *پول و بانکداری اسلامی*، ص ۷۶ - ۱۵۶.

2. ر.ک. یوسف عبدالله الزامل، بوعلام بن جلالی: *اقتصاد کلان با نگرش اسلامی*، ترجمه نصرالله خلیلی تیرناشی، ص ۱۳۷ - ۱۴۲.

(Ma) و تقاضای پول برای کسب درآمد (Mb) تقسیم می‌کند. (Ma) به دو قسم تقاضای پول برای مخارج زندگی و برای خیرات و میراث (واجب و مستحب)، و (Mb) نیز به دو قسم تقاضای پول برای سرمایه‌گذاری و برای معاملات (بازرگانی) تقسیم می‌شود. وی پس از تأکید بر حرمت بهره، سفته بازی و سوداگری، توابع تقاضای پول را به صورت ذیل ارائه می‌کند:

$$Ma = f(Y, W, p_0) \quad p_0 = dpdt(\tau)$$

$$dMa/dY > 0, \quad dMa/dW > 0, \quad dMa/dp_0 < 0$$

$$Mb = f(\tau), \quad dMb/d\tau < 0$$

در این توابع Y سطح عمومی درآمد، W سطح عمومی ثروت، و p_0 نرخ تورم، و نرخ داخلی بازده سرمایه است.

با فرض ممنوعیت نرخ بهره و حذف بازار پول و ممنوعیت کنز و بورس بازی، بررسی تقاضای پول بی‌فایده به نظر می‌رسد و این اشکال روشنی است که بر دو نظریه اخیر وارد می‌شود. با این فرض، بررسی تقاضای پول چیزی بر اطلاعات ما درباره اقتصاد نمی‌افزاید. پول صرفاً به صورت یک واسطه در مبادله نگهداری می‌شود. در چنین فروضی هیچ‌گاه پول در جایگاه ثروت، کنز، و هیچ‌گاه برای بورس بازی در بازار دارایی نگهداشته نمی‌شود؛ بلکه فقط برای انجام معاملات مورد نیاز قطعی یا احتمالی در آینده نگهداری می‌شود؛ بنابراین، افزایش تقاضای نگهداری پول مفهومی جز افزایش تقاضای کالا و خدمات ندارد؛ زیرا نگهداری پول به انگیزه انجام معاملات روی کالاهای مصرفی یا سرمایه‌ای و مانند آن است.

در این صورت، تغییرات تقاضای پول، تابع تغییرات تقاضای کالا و خدمات در بخش واقعی اقتصاد است و متغیرهای بخش واقعی اقتصاد مانند درآمد ملی، سطح قیمت‌ها، نرخ سود و مانند آن ابتدا بر عرضه و تقاضا در بخش واقعی اقتصاد اثر می‌گذارند و به تبع آن، در تقاضای پول تغییر پدید می‌آید؛ بنابراین، اشتباه بزرگی است که گمان کنیم نرخ سود یا نرخ بازده داخلی سرمایه که از متغیرهای بخش واقعی اقتصادند، در بخش پولی اقتصاد تعیین می‌شوند. با این فرض، بخش پولی انعکاسی از بخش واقعی اقتصاد است؛ از این رو برای تحلیل طرف تقاضای اقتصاد از چارچوب IS-LM نمی‌توان استفاده کرد و برای نشان دادن تأثیر افزایش عرضه پول بر متغیرهایی چون درآمد

¹ . وی از تقاضای احتیاطی پول سخنی به میان نیاورده است. همچنین فرموده که چرا Mb تابعی از سطح

عمومی در آمد (Y) نیست. افزون بر این به نظر می‌رسد Mb تابعی از سهم سود صاحبان وجوه از کل سود سرمایه‌گذاری است، نه نرخ داخلی بازده سرمایه. برای اطلاع بیشتر از نظر او، ربك: بیژن لطیف: «مقاله مبانی تقاضای پول در نظام اقتصاد اسلامی» در مجموعه مقالات فارسی نخستین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی، ج ۳، سیاست‌های مالی، ص ۲۳ - ۴۳.

و قیمت، مناسب است از الگوی رابطه مقداری پول استفاده شود. ب. گروهی از اقتصاددانان مسلمان نیز با این پیش فرض که بهره، همان ربای محرم است و در اقتصاد اسلامی بازار اوراق قرضه وجود ندارد، ولی کنز پول (به مفهوم اقتصادی آن) یا بورس بازی¹ در بازار اوراق سهام و مشارکت و دارایی‌های حقیقی جایز است، تقاضای پول را بررسی، و توابع آن را استخراج کرده‌اند؛ برای مثال، فهیم خان معتقد است: تقاضای پول به انگیزه سفته بازی در اقتصاد اسلامی تا حدی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا برای نگهداری پول در دوره‌ای که بازده‌های انتظاری پایین است، به منظور توانایی بر سرمایه‌گذاری در دوره‌ای که بازده‌های انتظاری بالا است، انگیزه‌های طبیعی وجود دارد که نمی‌توان آن را با قانون گذاری و به گونه‌ای رسمی کنترل کرد. وی با این اعتقاد، تقاضای مانده‌های حقیقی پول را به سه قسم تقسیم می‌کند:

1. تقاضای معاملاتی که تابعی مستقیم از سطح درآمد حقیقی (y) است؛
2. تقاضای مانده‌های حقیقی پول برای مقاصد بشر دوستانه (انفاق و قرض و ...) که تابعی مستقیم از y و تابعی غیر مستقیم از هزینه نگهداری پول، یعنی نرخ انتظاری بازده سرمایه‌گذاری (Q) است؛
3. تقاضای سفته بازی مانده‌های حقیقی پول که تابعی مستقیم از y و تابعی غیر مستقیم از (Q) است. سرانجام وی تابع تقاضای پول را به صورت ذیل ارائه می‌نماید:

$$LA = Ky - hQ \quad K, h > 0 \quad (3)$$

$LA =$ تقاضای پول برای مانده‌های حقیقی
 $Q =$ سودهای انتظاری دارایی‌های مالی برای مالکان آن
 از سویی $Q = aR$ است که در آن R بازده سرمایه‌گذاری بنگاه نهایی در وضعیت رقابت و a نرخ مشارکت در سود برای مالکان وجوه است.

$$LA = Ky - haR \quad (4) \quad \text{بنابراین:}^2$$

محسن خان در يك مدل ساده کلان فرض می‌کند که قیمت‌ها ثابتند و همه درآمد حقیقی به سرمایه تبدیل می‌شود. بانک یگانه واسطه بین پس‌انداز کننده و سرمایه‌گذار است و سرمایه‌گذاران فقط از طریق بانک، سرمایه لازم را به دست می‌آورند و سپرده گذاری از طریق خرید سهام منتشره به وسیله بانک صورت می‌گیرد، و حجم پول فقط شامل پول نقدی می‌شود که به صورت برون‌زا دولت آن را تعیین می‌کند. وی با این فروض می‌گوید: کل ثروت حقیقی جامعه (w) شامل مانده

¹ مقصود از بورس‌بازی، خرید و فروش به انگیزه سود از طریق پیش‌بینی قیمت‌ها، در چارچوب احکام و قوانین شرع است.

² 1. Mohamad Fahim Khan: ((Growth, Stability and Inflation in an Islamic Macro Framework)) in Lessons in Islamic Economics by Monzer Kahf, Vol (1), PP. 350 - 351.

حقیقی پول (m) و ارزش حقیقی سهام شرکت‌ها (s) است؛ بنابراین: $w = m + s$

وی با ارائه تابع: $ms = g(r)$, $gr < 0$ (۵)

تصریح می‌کند که سهمی از ثروت جامعه که به صورت پول نگه داشته می‌شود، تابعی معکوس

از r یعنی در آمد حقیقی سهام (یا نرخ حقیقی سود سپرده‌ها) است. بدین ترتیب، تابع تقاضای

مانده‌های حقیقی پول را چنین می‌نویسد: $m = g(r) \cdot s$

از سوئی با فروض پیشگفته می‌توان چنین نوشت: $s = ry$

که در آن، y درآمد حقیقی، و r نرخ حقیقی سود سپرده‌ها است. بر این اساس، تابع تقاضای

مانده‌های حقیقی پول به صورت ذیل در می‌آید: $m = g(r) \cdot yr$

همان گونه که ملاحظه می‌شود، در این مدل نیز تقاضای حقیقی پول، تابعی مستقیم از درآمد

حقیقی و تابعی معکوس از نرخ سود سهام است.^۱ همان گونه که پیدا است، اوکنز پول (نگهداری ثروت به شکل پول) را جایز محسوب کرده است.

محمد انور نیز با استفاده از مدل کلاسیک «سارجنت» با تبدیل اوراق قرضه به اوراق مضاربه

می‌گوید: در اقتصاد بدون بهره، ثروت چنین تعریف می‌شود:

$$W = (F + V + M) / P \quad (۸)$$

که در آن، W کل ثروت حقیقی جامعه، F ارزش اسمی اوراق مضاربه، V ارزش اسمی اوراق سهام، M ارزش اسمی پول، و P سطح عمومی قیمت‌ها است.

وی می‌افزاید: اگر همانند سارجنت فرض کنیم که اوراق مضاربه و سهام، جانشین کامل

یکدیگرند، در این صورت بازده مورد انتظار اوراق مضاربه برابر بازده سهام در اقتصاد بدون بهره

است؛ بنابراین، (اوراق مضاربه + اوراق سهام) در اقتصاد بدون بهره، معادل (اوراق قرضه + اوراق

سهام) در اقتصاد کلاسیک خواهد بود؛ در نتیجه، تقاضا برای مانده‌های حقیقی پول و تقاضا برای

(اوراق مضاربه + اوراق سهام) با روابط ذیل وصف می‌شود.

$$MD/P = m(k, Y, W) \quad (۹)$$

$$FD + VD / P = f(k, Y, W) \quad (۱۰)$$

که در آن q متوسط سود یک واحد سرمایه در اقتصاد بدون بهره، و K نسبت سهم صاحبان

وجوه است. با توجه به این که $W = (M + F + V) / P$ می‌توان W را نیز تابعی از k, Y, q

دانسته، آن را حذف کرد. محمد انور سپس با این توجیه که q در اقتصاد بدون بهره معلوم است، این

¹ 1. Mohsin S. Khan Principles of Monetary Theory and Policy in an Islamic Framework LECTURES ON ISLAMIC ECONOMICS by AUSAF AHMAD, KAZIM RAZA AWAN, P. 325 - 326.

عامل را نیز حذف، و تابع تقاضای مانده‌های حقیقی پول را به صورت ذیل ارائه می‌کند:^۱
 $MDP = m(K, Y), m_k < 0, m_Y > 0$ (۱۱)

روشن است که معلوم بودن q نمی‌تواند توجیه قابل قبولی برای حذف q باشد؛ بلکه ثبات q می‌تواند وجه حذف آن باشد.

آقای عربی پس از بیان برخی احکام فقهی پول و جواز خرید و فروش اوراق سهام و مشارکت، تقاضای پول را به دو قسم تقسیم می‌کند: یکی تقاضای پول به انگیزه معاملاتی، احتیاطی و معنوی (برای رفع نیازهای مؤمنان) که تابعی از درآمد است:

$$L1 = f() \quad dL1/d > 0 \quad (12)$$

و دیگری، تقاضای پول به انگیزه کسب درآمد از طریق خرید و فروش اوراق سهام و مشارکت. وی با فرض این که فقط دو نوع دارایی در اقتصاد وجود دارد و با استفاده از روش تراز سبب دارایی، تابع تقاضای پول به انگیزه کسب درآمد را به صورت ذیل ارائه می‌نماید:

(۱۳)

که در آن r نرخ سود انتظاری ناشی از سرمایه‌گذاری و s سهم سود صاحب سهام می‌باشد بنابراین تقاضای پول چنین است:^۲

(۱۴)

تقاضای مانده‌های حقیقی پول (نظریه برگزیده)

چنان که پیش از این گذشت، در اسلام، بورس بازی در چارچوب قوانین شرع تا وقتی مخالف مصالح عمومی نباشد، جایز است. همچنین کنز پول، به مفهوم اقتصادی آن، یعنی خارج کردن پول از جریان گردش تا هنگامی که به تجمع ثروت بیش از حد مجاز نینجامد، محذور شرعی ندارد؛ بنابراین ما نیز همچون گروه دوم از اقتصاددانان معتقدیم که در اقتصاد اسلامی، تقاضای پول به انگیزه بورس بازی وجود دارد و به همین دلیل، تعادل در بازار دارایی باید مستقل از تعادل در بازار کالا و خدمات بررسی شود؛ از این رو، برای نشان دادن تعادل همزمان بازار کالا و خدمات و بازار دارایی و استخراج تقاضای کل، از الگوی IS-LM می‌توان استفاده کرد. با فرض این که توهم پولی وجود ندارد، با استفاده از نظریه‌های پیشین و در چارچوب ساختار کلان اقتصاد اسلامی، تقاضای مانده‌های حقیقی پول را استخراج خواهیم کرد. مانده‌های حقیقی پول در اقتصاد اسلامی به انگیزه‌های ذیل تقاضا می‌شود:

^۱ ر.ک: محمد انور: *الگوی اقتصاد بدون ربا*، ترجمه، اسدالله فرزین وش، ص ۴۷ - ۵۰.

^۲ نسخه اصلی در دست نیست و محتمل است که مترجم غفلت کرده باشد.

^۳ هادی عربی: *نگرشی بر تعادل همزمان طرف تقاضا در اقتصاد اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، ص ۱۴۵ - ۱۵۷.

۱. به انگیزه تسهیل در انجام معاملات جاری و خرید کالاهای مصرفی و خدمات. این نوع تقاضا که به وسیله خانوارها انجام می‌شود، تابعی مستقیم از درآمد حقیقی (y) و تابعی غیر مستقیم از سهم صاحبان وجوه از سود (p) و نرخ سود سرمایه‌گذاری (p) است؛ زیرا p (هزینه فرصت نگهداری پول است؛ بنابراین به انگیزه تسهیل در تأمین هزینه‌های جاری و خرید کالاهای سرمایه‌ای به وسیله بنگاه‌ها. این نوع تقاضای پول، تابعی مستقیم از درآمد حقیقی (y) و حجم سرمایه‌گذاری (I_d) است. با توجه به تابع I_d :

(۱۵)

که در آن b کار مزد بانک، سهم سود سپرده‌گذاران، و y در آمد حقیقی است. هر چه I_d افزایش یابد، پول بیش‌تری برای آن نگه می‌دارند؛ بنابراین:

(۱۶)

هر چه افزایش یابد، از سویی تقاضای سرمایه‌گذاری کاهش، و در نتیجه پولی که برای این منظور نگهداری می‌شود، کاهش می‌یابد و از سوی دیگر، هزینه فرصت نگهداری پول افزایش، و L_2 کاهش می‌یابد. همچنین هر چه کار مزد بانک (b) افزایش یابد، تقاضای سرمایه‌گذاری (I_d) کاهش و در نتیجه (L_2) کاهش می‌یابد.

هر چه نرخ سود انتظاری افزایش یابد، I_d و در نتیجه L_2 افزایش می‌یابد.

۳. به انگیزه انجام کارهای خیر (انفاقات و قرض و ...). تقاضای پول به این انگیزه، همچون تقاضای پول نوع اول، تابع مستقیم درآمد حقیقی و تابع غیرمستقیم و است. از سوی دیگر، هر چه ایمان فرد افزایش یابد، کارهای خیر او بیش‌تر می‌شود و در نتیجه، پول بیش‌تری را به این منظور نگه می‌دارد؛ بنابراین:

(۱۷)

که در آن f نشان دهنده درجه ایمان فرد است.
۴. به انگیزه تأمین هزینه‌های احتمالی در آینده (انگیزه احتیاطی) این نوع از تقاضای پول نیز همچون نوع اول است.

(۱۸)

۵. به انگیزه کسب سود از طریق بورس بازی مجاز. این بخش از تقاضای پول، به بازار دارایی ارتباط می‌یابد. در اقتصاد اسلامی هر فرد می‌تواند ثروت خود را به یکی از صورت‌های ذیل نگه دارد:

یک. به صورت پول نقد^۱ که بازده ندارد و دارای نقدینگی بالا است؛

دو. به صورت قرض‌الحسنه^۲ که در این صورت نیز بازده مادی ندارد و دارای درجه نقدینگی پایین است؛ ولی ثواب آخرتی بالایی دارد؛

سه. به صورت سهام که در این صورت از عواید سهام بهرمنند می‌شود (h)؛

چهار. به صورت سپرده مدت‌دار در بانک که سهمی از سود سرمایه‌گذاری را خواهد داشت. (a)؛

پنج. به صورت دارایی سرمایه‌ای حقیقی مانند خانه، زمین، ماشین و مانند آن که در این صورت از عواید آن (g) بهره می‌برد؛

شش. به صورت کالاهای مصرفی بادوام که در این صورت، از افزایش قیمت آن‌ها سود می‌برد. چهار صورت اخیر نیز درجه نقدینگی پایینی دارند.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود: با این که پول بازده ندارد، آیا انگیزه‌ای وجود دارد که مسلمان به جای آن که ثروت خود را به شکل طلب در قالب قرض‌الحسنه نگه دارد و از ثواب آن بهرمنند شود یا به صورت دارایی فیزیکی و سهام یا سپرده سرمایه‌گذاری نگه دارد و از عواید مادی آن‌ها بهره ببرد، به مقداری بیش از آن چه برای انجام معاملات و خیرات لازم است، پول نقد نگه دارد؟ پاسخ، مثبت، و توجیه آن نیز همان است که در نظریه رجحان نقدینگی کینز و به صورتی کامل‌تر

^۱ مقصود، پول نقد، سکه و مسکوک و همچنین حساب‌های جاری است.

^۲ مقصود، قرض‌الحسنه پس‌انداز و سایر صورت‌های قرض‌الحسنه (مانند پرداخت مستقیم به نیازمندان یا افتتاح حساب در صندوق‌های قرض‌الحسنه) است و شامل حساب‌های قرض‌الحسنه جاری نمی‌شود.

در نظریه تراز سید دارایی تو بین بیان شده است. مسلمان ممکن است مقداری پول به انگیزه بورس بازی در بازار دارایی نگه دارد و ثروت خود را به شکل ترکیبی از دارایی‌های گوناگون از جمله پول با درجات بازده و ریسک متفاوت نگهداری کند.

بر این اساس، برای استخراج تابع تقاضای بورس بازی پول در اقتصاد اسلامی، از نظریات کینز و تو بین و بامول با حذف نرخ بهره و بازار اوراق قرضه می‌توان استفاده کرد. فهیم خان، محسن خان، محمد انور و هادی عربی نیز از همین نظریات استفاده، و با انتخاب جایگزینی برای نرخ بهره در چارچوب همان الگوها تحلیل کرده‌اند.

ما نیز با استفاده از الگوی تراز سید دارایی تو بین تابع تقاضای بورس بازی پول (L۵) را به صورت ذیل ارائه می‌کنیم:^۱

(۱۹)

که در آن، L۵ تقاضای بورس بازی مانده‌های حقیقی پول، y درآمد حقیقی و $P \cdot = (dpdt / P)$ نرخ تورّم است که بازده کالاهای مصرفی بادوام را نشان می‌دهد، f^2 درجه ایمان فرد و a نرخ سود سپرده بانکی است که به صورت ذیل محاسبه می‌شود:

(۲۰)

سهم سود سپرده‌گذاران =
 مقدار سود فعالیت i ام که بانک در آن سرمایه گذاری کرده $p_i =$
 کل سپرده‌های بانک $K =$
 متوسط نرخ بازده سهام است که به صورت ذیل محاسبه می‌شود:

^۱ این الگو در کتاب اقتصاد کلان، ویلیام اچ برانسون، ترجمه شاکری ج ۲، ص ۴۱۸ شرح داده شده و آقای عربی نیز در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت صورت «نگرشی بر تعادل همزمان طرف تقاضا در اقتصاد اسلامی»، ص ۱۵۲ با فرض آن که در اقتصاد فقط پول و اوراق سهام وجود دارد، از این روش استفاده کرده است. برای جلوگیری از طولانی شدن بحث علاقه‌مندان را به این تحقیق ارجاع می‌دهیم.

^۲ با این فرض که قیمت کالاهای مصرفی بادوام، متناسب با سطح عمومی قیمت‌ها رشد می‌کند.

(۲۱)

Pi^2 = قیمت سهام کارخانه i ام در پایان دوره
 Pi^1 = قیمت سهام کارخانه i ام در ابتدای دوره
 e_i = نرخ سود سهام کارخانه i ام
 hi = عواید بک واحد پول که صرف خرید سهام کارخانه i ام می‌شود.
و متوسط نرخ بازده دارایی سرمایه‌های حقیقی است که به صورت ذیل محاسبه می‌شود:

(۲۲)

Pj^1 = قیمت دارایی در ابتدای سال
 Pj^2 = قیمت دارایی در پایان سال
 dj = نرخ بازده دارایی j ام
 gj = عواید بک واحد پول که صرف خرید دارایی j ام می‌شود.
 a, b, P^0 در حقیقت بازده سایر اقلام دارایی‌اند که هزینه فرصت نگهداری پول در تابع
۱۹ هستند، و تقاضای فرد برای مانده‌های حقیقی پول، تابعی مستقیم از درآمد حقیقی و تابعی
معکوس از a, b, P^0 است. همچنین در این تابع f درجه ایمان فرد را نشان می‌دهد و به
صورت متغیر وارد تابع شده است؛ زیرا چنان که اشاره شد، یکی از راه‌های نگهداری ثروت، آن است
که انسان قرض‌الحسنه بدهد و ثروت خود را به صورت طلب نگه دارد. از این طریق او می‌تواند به
ثواب آخرتی برسد. در حقیقت کسی که ثروت خود را به صورت نقد نگه می‌دارد، از این ثواب
محروم می‌شود؛ بنابراین، ثواب قرض‌الحسنه نیز هزینه فرصت نگهداری ثروت به شکل پول نقد
است؛ ولی چون ثواب قرض‌الحسنه متغیر مستقل نیست و آن چه را می‌توان متغیر فرض کرد، ایمان
فرد است، از این رو می‌توان گفت: تقاضای پول فرد رابطه‌ای معکوس با ایمان او دارد. هر چه ایمان
فرد بیشتر شود، برای دستیابی به ثواب بیشتر، سهم زیادتری از ثروت خود را به صورت
قرض‌الحسنه نگه می‌دارد.
با جمع توابع تقاضای پول، به تابع کل تقاضای پول به صورت ذیل دست می‌یابیم.

(۲۳)

در رابطه ۲۳ فرض شده که ρ متناسب با نرخ سود تغییر می‌کنند؛ از این رو حذف شده‌اند. همچنین $a = p_0$ با وجود p_0 در تابع ۲۳ حذف می‌شود. همچنین نرخ سود انتظاری تابع مستقیم از نرخ سود دو اثر بر تقاضای پول از جهت نظری مبهم است. این گونه ابهامات به وسیله مطالعات تجربی در جوامع اسلامی قابل رفع است.

اثر f بر تقاضای کل پول مبهم است؛ زیرا وقتی ایمان فرد بیشتر می‌شود، از سوی کارهای خیر او فزونی می‌گیرد و پول بیشتری جهت انجام کارهای خیر نگه می‌دارد؛ در نتیجه L_3 افزایش می‌یابد. از سوی دیگر ترجیح می‌دهد سهم بیشتری از ثروت خود را در قالب قرض الحسنه و به شکل طلب نگه دارد؛ از این رو L_5 کاهش می‌یابد. بر آینه این دو اثر بر تقاضای کل پول از جهت نظری ابهام دارد. این گونه ابهامات به وسیله مطالعات تجربی در جوامع اسلامی قابل رفع است.

تقاضای کل جامعه برای مانده‌های حقیقی پول

با جمع افقی تقاضای پول تک تک افراد و تبدیل متغیرهای خرد به کلان، به تابع تقاضای کل جامعه برای مانده‌های حقیقی پول به صورت ذیل دست می‌یابیم:

(۲۴)

y درآمد ملی حقیقی، نرخ تورم، f سطح ایمان جامعه، سهم سود سپرده‌های بانکی متوسط نرخ سود سرمایه‌گذاری در جامعه و b سهم سود بانک‌ها (کارمزد بانک‌ها) است. نکته‌ای که در این تابع باید متذکر شویم، نقش سه گانه تغییر سطح قیمت‌ها است. وقتی سطح قیمت‌ها افزایش می‌یابد، سه تغییر رخ می‌دهد:

۱. قدرت خرید پول کاهش می‌یابد و با فرض ثبات باقی عوامل، برای آن که تقاضای حقیقی ثابت بماند، باید تقاضای اسمی پول (Md) به میزان افزایش P ، افزایش یابد. این اثر با وجود P در مخرج کسر MdP نشان داده شده و در این جا P به صورت ضریب متغیر وابسته ظاهر می‌شود و متغیر توضیحی مستقل نیست.

۲. در آمد ملی حقیقی ($y = YP$) کاهش می‌یابد؛ در نتیجه، تقاضای معاملاتی و احتیاطی و بورس بازی و سایر انواع تقاضای پول کاهش می‌یابد.

۳. وقتی افزایش P به صورت مستمر با نرخ صعودی باشد، یعنی افزایش یابد، با فرض ارتباط مستقیم و مثبت بین نرخ‌های انتظاری تورّم (π) و نرخ جاری آن و با فرض این که نرخ بازده سوداگرانه کالاها و بادهای مصرفی متناسب با نرخ تورّم تغییر می‌کند، در این صورت افزایش سبب تبدیل بیش‌تر پول به کالاها و بادهای مصرفی شده md کاهش می‌یابد.

نتیجه

با توجه به جواز کنز به مفهوم نگهداری پول به انگیزه بورس‌بازی و جواز بورس‌بازی به مفهوم خرید و فروش به انگیزه دستیابی به سود از طریق پیش‌بینی قیمت‌ها در بازار دارایی، در شریعت اسلام، به روشنی می‌توان ادعا کرد که در اقتصاد اسلامی، گرچه نرخ بهره و بازار اوراق قرضه وجود ندارد، تقاضای پول به انگیزه بورس‌بازی افزون بر تقاضای پول به انگیزه معاملاتی و احتیاطی وجود دارد که تابعی مستقیم از درآمد ملی حقیقی و تابعی معکوس از نرخ تورّم (P_0)، سهم سود سپرده‌گذاران (π) و نرخ سود سرمایه‌گذاری (p_0) و کارمزد بانک (b) است.

بر این اساس می‌توان برای تحلیل طرف تقاضای اقتصاد اسلامی از الگوی IS - LM استفاده کرد؛ ولی پرسش اساسی آن است که متغیر اصلی که دو بازار کالا و خدمات و بازار دارایی را به یکدیگر مرتبط می‌سازد، کدام است.

پاسخ به این پرسش پس از تحلیل تابع مصرف و سرمایه‌گذاری کل و تبیین مکانیزم عرضه پول و متغیرهای مؤثر در آن میسر است.

پی‌نوشت‌ها

منابع و مأخذ

أ. فارسی

۱. میرمعزی، سید حسین: «مفهوم کنز در اقتصاد و از دیدگاه اندیشمندان اسلامی»، نامه مفید، بهار ۸۲.
۲. میرمعزی، سید حسین: «بوریس بازی از نگاه فقه»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۹، بهار ۸۲.
۳. توتونچیان، ایرج: پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری، انتشارات مؤسسه فرهنگی - هنری توانگران، چ اول، دیماه ۱۳۷۹ ش.
۴. الزامل، یوسف عبدالله و یو علام جلالی: اقتصاد کلان با نگرش اسلامی، ترجمه نصرالله خلیلی تیرتاشی.
۵. لطیف، بیژن: «مبانی تقاضای پول در نظام اقتصاد اسلامی»، مجموعه مقالات فارسی نخستین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ ش.
۶. محمد، انور: الگوی اقتصاد بدون ربا، ترجمه اسدالله فرزین و ش، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۵ ش.
۷. عربی، هادی: نگرشی بر تعادل همزمان طرف تقاضا در اقتصاد اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
۸. برانسون، ویلیام اچ: اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاکری، نشر نی، چ اول، ۱۳۷۳ ش.

ب. عربى

١. احمد، حسن: الاوراق النقدية فى الاقتصاد الاسلامى، قيمتها و احكامها، دار الفكر، دمشق، ١٩٩٩ م
٢. التركمانى، عدنان خالد: السياسة النقدية و المصرفية فى الاسلام، عمل، مؤسسة الرسالة، ١٩٨٨ م
٣. يوسف كمال، محمد: فقه الاقتصاد النقدى، دار الصابونى - دار الهداية، ١٩٩٣ م / ١٤١٤ ق.

ب. انگليسى

1. Laurence Harris: Monetary Theory, McGraw - Hill, 1981.
2. Mohamad Fahim Khan: ((Growth, Stability and Inflation in an Islamic Macro Frame Work)) in Lessons in Islamic Economics, by Monzer Kahf, Islamic Development Bank, Islamic Research and Training Institute, 1418 (H) - 1998 (G).
3. Mohsin Khan: ((Principles of Monetary Theory and Policy in an Islamic Economics, by Ausaf Ahmad and Kazim Raza Awan, Islamic Development Bank, Islamic Research and Traning Institute, 1412 (H) - 1992 (G).